



بولوار شاهد در قاسم آباد - اوایل دهه ۶۰

علی پیراسته، رزمنده ساکن محله لشکر، از خاطره برگشتن پرماجریش از مناطق جنگی می گوید

بازگشت شهید با تراکتور

۱۰

صندوق
خاطرات

نگهبان داشته که نزدیک پمپ بنزین کنونی مستقر بوده است. می گوید: او صدای سگ ها را شنیده و حدس زده بود یک نفر گیر افتاده است. سوار تراکتور شد و به سمت صدا آمد. وقتی رسید، من نزدیک مسجد امام محمد باقر (ع) بودم. با چوب، سگ ها را زد و مرا سوار تراکتور کرد. یک لیوان چای داغ هم داد که در آن سرما حسابی چسبید و حالم جا آمد. بعد هم مرا رساند دم در خانه مان.

● علی ام آمد!

علی آقا در خانه با استقبالی غیرمنتظره روبه روشد. خانواده او گمان کرده بودند شهید شده است و دنبال پیکرش بودند. این رزمنده دفاع مقدس تعریف می کند: وقتی زنگ خانه را زدم و در را باز کردند، مادرم، خدارحمش کند، از دوش از پله بازانو خورد زمین. بعد هم این قدر فریاد زد، علی ام آمده، علی ام آمده، که همسایه ها بیدار شدند و همه آمدند در خیابان و سر صبحی، یک جشن کوچک محلی گرفتند؛ رو بوسی می کردند، میوه و شکلات تعارف می کردند، مادرم را در آغوش می گرفتند و...

علی آقا که با مرور این خاطره حالش دگرگون شده است، می گوید: هر وقت به آن روز فکر می کنم، نمی دانم خوشحال شوم یا ناراحت. خنده ها و شادی آن روز مادرم جزو عمیق ترین شادی هایش بود اما در پشت این شادی، رنجی بزرگ برده بود.

یک بار از سمت شهرک به میدان شهدا می رفت و برمی گشت. از سمت شاهد که به حسابی رسیدم، یک گله سگ که حدود بیست قلاده بودند، به سمتم آمدند. ساعت ۳:۰۰ صبح بود و خلوت. در اطرافم هیچ کس نبود و صدایم به جایی نمی رسید. در همین شرایط، سگ ها با حالت حمله نزدیکم شدند. آرام آرام قدم برمی داشتم که سگ ها حمله نکنند. آن ها هم پشت سرم می آمدند و بلند بلند واق واق می کردند.

● امداد رسانی با تراکتور

آن طور که علی آقا تعریف می کند، آن زمان شهرک لشکر، یک



فهمیده شهری | علی آقای پیراسته از قدیمی های محله لشکر است. او از زمان شروع جنگ تحمیلی که مصادف با جوانی اش بود، به جبهه رفت و هفتاد ماه سابقه حضور در جنگ تحمیلی را دارد. علی آقا یک بار در سال ۶۰ که محدوده های بولوار حسابی و شاهد در قسمت بولوار پیامبر اعظم (ص) کنونی، بیابانی بود، گرفتار گله سگ شد. به شوخی می گوید: از جنگ جان سالم به در برده بودم، اما نمی دانستم از این گله سگ می توانم جان سالم به در ببرم یا نه!

● از کردستان تا بیابان های مشهد

حدود چهار سال از دوران جنگ می گذرد اما هنوز بخش زیادی از خاطرات علی آقا با آن زمان گره خورده است. چنان از آن دوران صحبت می کند که انگار همین چند ماه یا چند سال پیش بوده است. این شهروند محله لشکر تعریف می کند: دی ماه سال ۶۰ بعد از پنج ماه حضور در مناطق جنگی، داشتم به خانه برمی گشتم. از کردستان رفتم تهران. آنجا ماشین برای مشهد گیرم نیامد، آخر سر رفتم قوچان و از آنجا خودم را به مشهد رساندم.

خانه شان در شهرک لشکر بود. به گفته علی آقا آن زمان در انتهای بولوار شاهد کنونی، یک جاده آسفالتی قرار داشته که رفت و آمد در آن زیاد بوده است. تعریف می کند: آنجا پیاده شدم. اطراف این جاده، همه بیابان بود. فقط یک خط اتوبوس ۵۷ بود که هر ساعت

مسابقات «هوکام» ویژه چهارمین دوره المپیاد ورزشی بانوان مشهد در بوستان شهربانوی وکیل آباد برگزار شد

۹

رقابت خانم ها در فضای جنگلی



عیدگاه

همت شهرداری منطقه ۹ برگزار شد در دوره مبتدی و حرفه ای طراحی شده است. حدود سیصد شرکت کننده داشتیم و برای حفظ نظم، به شرکت کنندگان دوره، زمان بندی دادیم.

● نخستین بار، هوکام در فضای جنگلی

چهارمین دوره مسابقات هوکام بانوان شبیه یک اجتماع پرانرژی و مهارت آموز بود. جهان ساده، کارشناس تربیت بدنی منطقه ۹ شهرداری مشهد، درباره این مسابقه می گوید: در پارک بانوان شهربانو، با هوای معتدل پاییزی، شاهد حضور پرشور بانوان محلات مختلف مشهد بودیم. فکر می کنم مسابقات هوکام برای اولین بار در یک فضای جنگلی مانند بوستان شهربانو برگزار می شود.

او سپس به رشته های متنوع دیگر اشاره و بیان می کند: در هفته های گذشته، مسابقات تیر و کمان بانوان را در منطقه ۹ برگزار کردیم. در هفته های آینده هم مسابقات فریزی، جهت یابی و هاکی برگزار می شود. در مجموع حدود ۵۰ تا ۵۲ رشته ورزشی ویژه بانوان در سطح شهر در حال برگزاری است و استقبال بسیار خوبی هم از آن ها شده است.

بدن سازی است. مرادی در خط پایان، نفس زنان درباره رکوردش می گوید: باید کمتر از پنج دقیقه شده باشد. فکر می کنم هشت بخش بود که در یکی دو بخش خطا داشتم، ولی خیلی خوب بود. او تجربه اش را این طور توصیف می کند: این مسابقه سخت نیست، ولی استقامت قبلی می خواهد. من می خواستم در دره حرفه ای شرکت کنم اما متأسفانه به دلیل پر شدن ظرفیت نشد. در کنار بزرگ سالان، دختران نوجوان هم در فضای رقابت دیده می شدند. اسماء حسینی، یکی از همین شرکت کنندگان بود که همراه مادر و برادر خردسالش آمده بود. او می گوید: من و دوستانم قرار گذاشتیم برنده شویم. خیلی هیجان دارم تا نوبتم شود. من در رده کمتر از هجده سال ثبت نام کرده ام.

● تربیت امدادگران توانمند

آیناز شیرازی زاده که مسئولیت فنی رویداد را بر عهده دارد، ابتداء را به ماهیت این رشته توضیح می دهد: هوکام را در ظاهر یک هنر ورزشی گذرا و موانع می دانیم، اما هدف آن بسیار فراتر از یک رشته ورزشی معمولی است. این رشته برای تربیت امدادگران طراحی شده؛ افرادی که بتوانند در بحران ها و بلا یا، از خانه تا محیط شهری، توان مداخله داشته باشند. یعنی هم آمادگی جسمانی زیاد و هم مهارت های امدادی داشته باشند. او درباره شرکت کنندگان می گوید: این دوره از المپیاد بانوان که با

سمیرا شاهیان | صبح پنجشنبه، حال و هوای بوستان شهربانوی باغ وکیل آباد مانند دیگر روزهای آذرماه نبود. تابش ملایم خورشید روی برگ های زرد، وقتی نگاه را به خود جلب می کرد که دختران و بانوان بالباس های ورزشی در پارک جنگلی هر کدام مشغول فعالیت بودند. تعدادی مشغول قدم زدن در پوشش جنگلی و تنفس در هوای خنک صبحگاهی و البته تماشای طبیعت بودند و گروهی هم پیش از شروع مسابقه هوکام، بساط صبحانه پهن کرده بودند. این جمعیت به دعوت شهرداری منطقه ۹ برای چهارمین دوره المپیاد ورزشی بانوان مشهد، جام شهربانو آمده بودند. رقابتی که این بار با محوریت رشته «هوکام» یا هنر ورزشی گذرا از موانع برگزار شد و شور و تحرکی ویژه در فضای پارک ایجاد کرد.

● مسیرهای دشوار، شرکت کنندگان پُرانرژی

هوکام شامل عبور از موانع، آیت های تعالی، پرش و استقامت است و به همین دلیل لاستیک ها، تنه های درخت، تورها و گذرگاه های هوایی در بخشی از بوستان چیده شده است. تیم داوری و عوامل اجرایی هم از ابتدای صبح، شرکت کنندگان را به نوبت، پذیرش و راهنمایی می کنند. جمعیت حاضر به دو گروه حرفه ای و مبتدی تقسیم شده بودند. یکی از شرکت کنندگان فعال این دوره، ناهید مرادی، بانویی پنجاه و چهار ساله است که زنگ مسابقه هم به دست او به صدا درمی آید. فوق لیسانس تربیت بدنی دارد و مربی